

تبیین مفهوم روایت «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ»

در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت

آزاده عباسی^۱الهه هادیان رسنانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

چکیده

در برخی منابع متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت روایتی آمده است با این مضمون که حضرت زهرا (علیها السلام) در پاسخ سؤال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ»؛ «بهترین چیز برای زنان این است که مردی را نبینند و مردان نیز آنان را نبینند» (با اختلافاتی در نقل). بررسی سندی و دلالتی روایت یادشده، هدف این پژوهش است. نتیجه بررسی سندی حدیث نشان می‌دهد که حدیث یادشده، در مصادر شیعه مرسل است و در مصادر اهل سنت نیز دچار ضعف رجال سند است؛ اما در بررسی متن و دلالت روایت، صرف نظر از بحث سند و به ویژه با توجه به معاضدت این حدیث توسط احادیث دیگر، اولاً از این روایت، حرمت حضور زنان در اجتماع به دست نمی‌آید و ثانیاً این حدیث، بیان‌گر هیچ حکم الزامی دال بر فعل یا ترک نیست، بلکه در مقام بیان یک اصل ارشادی و ارزش اخلاقی و حقیقت دینی و واقعیت اجتماعی است و آن این‌که: ارتباط مستقیم زن و مرد نامحرم هرچه کمتر باشد، بهتر است. به لحاظ فقهی، در باب نکاح برخی کتاب‌های فقهی و گاه سایر ابواب مانند باب «سترو پوشش» و «حرمت نظر» به این حدیث استناد شده و برای اثبات عدم جواز نگاه زن به مرد بیگانه، به ادله‌ای استناد کرده‌اند که از جمله آن دلایل، همین روایت است. در مقابل، برخی فقیهان دلالت روایت «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ...» بر حکم مذکور را به جهت مرسل بودن و ضعف سند ناکافی می‌دانند.

کلیدواژه‌ها: حدیث «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ»، بررسی سندی، بررسی فقهی، بررسی دلالتی متن.

۱. عضو هیات علمی دانشگاه قرآن و حدیث (abbasi.a@hadith.ir).

۲. عضو هیات علمی دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (hadian.e@qhu.ac.ir).

در حدیثی از رسول خدا ﷺ نقل شده است که روزی به اصحاب خویش فرمودند: «مَا خَيْرُ لِلنِّسَاءِ»؛ چه چیزی برای زنان از همه بهتر است؟ اصحاب ندانستند در جواب چه بگویند. امیرالمؤمنین علیؑ به سوی حضرت زهراؑ آمده و این مطلب را به اطلاع ایشان رسانید. حضرت زهراؑ فرمود: چرا نگفتی: «خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ وَلَا يَرُوْنَهُنَّ»؛ از همه بهتر برای آن‌ها این است که نه آنان مردان بیگانه را ببینند و نه مردان بیگانه آن‌ها را. علیؑ بازگشت و این پاسخ را به رسول خدا ﷺ عرض کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: «مَنْ عَلَّمَكَ هَذَا»؛ چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟ عرض کرد: فاطمهؑ. رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّهَا بَصْعَةٌ مِنِّي»؛ او پاره وجود من است.

این حدیث با تفاوت‌هایی در طرق و نقل - که بدان‌ها خواهیم پرداخت - در برخی مصادر روایی متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت نقل شده است. واکاوی این احادیث و بررسی آن‌ها به لحاظ سند و دلالت متن، هدف اصلی این پژوهش است.

اهمیت پرداختن به حدیث یادشده از این جهت است که این حدیث با وجود شهرت و مورد استناد واقع شدن در کتاب‌های متعدد فقهی و اخلاقی، اما با بررسی صورت گرفته در این پژوهش، به لحاظ سند دچار ضعف است و به لحاظ متن نیز هیچ حکم الزامی دال بر فعل یا ترک، از آن بر نمی‌آید. این مسأله در این مقاله واکاوی شده است.

درباره پیشینه پژوهش درباره این مسأله باید گفت که در برخی کتاب‌های فقهی، در ابواب نکاح یا باب «سترو پوشش» و «حرمت نظر» به این حدیث استناد شده است که در بحث بررسی جایگاه حدیث مزبور در کتاب‌های فقهی به برخی از این آثار اشاره خواهد شد.

اما درباره کارهای پژوهی مستقل درباره این حدیث، در مقاله‌ای با عنوان «دفاع از حدیث»، به مناسبت نقد این حدیث توسط دکتر محمد تیجانی سماوی (تونسی) در کتاب «كَلِّ الْحُلُولِ عِنْدَ آلِ الرَّسُولِ ﷺ» (با ترجمه فارسی: «اهل بیت، کلید مشکل‌ها»)،^۱ نویسنده مقاله در قالب نه نکته، سعی کرده است که از این حدیث دفاع کند که به نظر می‌رسد با توجه به پیش فرض نویسنده، این روایت در ابتدا به عنوان یک اصل در ارتباط زن و مرد پذیرفته شده و آنگاه در قالب نه نکته و استناد به برخی روایات دیگر، سعی در دفاع از محتوای حدیث شده است؛ از جمله استناد به احادیثی که دلالت بر استحباب معاف

دانستن زن از شرکت در جماعت و نماز جماعت دارد و روایات دیگری از این قبیل.^۱ رساله مستقل کوچکی نیز توسط خانم أم عبدالرحمن بنت النوبی در مصر با عنوان إمارة الجهل بحال حدیثی «ما خیر للنساء؟» و «عقدة الحبل»، در حدود بیست صفحه زیر نظر همسر وی ابو عبدالرحمن محمد عمرو بن عبداللطیف نوشته شده که در آن، به بررسی ضعف رجال سند حدیث در مصادر اهل سنت پرداخته شده و در نهایت، ضعف حدیث به لحاظ ضعف سند در مصادر اهل سنت اثبات شده است.

ألبانی نیز در کتاب خود (سلسلة الأحادیث الضعیفة و أثرها السیء فی الأمة) این حدیث را در شمار احادیث ضعیف آورده و ضعف حدیث را با توجه به ضعف سند و رجال آن از منظر اهل سنت اثبات کرده است.^۲

بحث‌های پراکنده‌ای نیز در برخی کتاب‌ها درباره نوع دلالت حدیث مزبور صورت گرفته است؛ برای نمونه، سید جعفر مرتضی در کتاب مأساة الزهراء با این‌که سند را ضعیف معرفی می‌کند، ولی درباره دلالت متن بحثی را آورده است که از آن سخن خواهیم گفت.

نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های دیگر، ریشه‌یابی و مصدريابی حدیث در منابع متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت به تفکیک و نیز بررسی سندی حدیث و نیز بررسی فقهی آن در کتاب‌های فقهی و پس از آن واکاوی دلالتی حدیث به لحاظ متن است.

براین اساس، پرسش‌هایی که در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ‌گویی بدان‌ها هستیم، عبارت‌اند از:

۱. اعتبار حدیث یادشده به لحاظ سندی در مصادر شیعه و اهل سنت چگونه است؟
۲. چه برداشت فقهی از این حدیث در کتاب‌های فقهی فقها صورت گرفته است؟ و پس از آن، صرف نظر از بحث سند، دلالت متن حدیث چیست؟
۳. و در نهایت، چگونه میان منطوق حدیث و واقعیت اجتماعی زن و سیره اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام می‌توان جمع نمود؟

۱. جایگاه حدیث در کتاب‌های فقهی شیعه

در باب نکاح برخی کتاب‌های فقهی و گاه سایر ابواب مانند باب «سترو پوشش» و

۱. رک: «دفاع از حدیث» (۶)، ص ۱۷۲-۱۷۹.

۲. سلسلة الأحادیث الضعیفة و أثرها السیء فی الأمة، ج ۱۲، ص ۵۳۸-۵۴۱.

«حرمت نظر» به این حدیث استناد شده و برای اثبات عدم جواز نگاه زن به مرد بیگانه، به ادله ای استناد کرده اند که از جمله آن دلایل، همین روایت است.^۱

در برخی کتاب های فقهی نیز در مسأله «یستحب حبس المرأة فی البیت فلا تخرج إلا لضرورة» به این روایت استناد کرده اند.^۲ گاهی نیز از روایت یاد شده، حکم احتیاط را برداشت کرده و در بیان مسأله احتیاط پوشاندن صورت زن و عدم نگاه، به این روایت استناد کرده اند.^۳

از این رو، برخی فقیهان با ترجیح روایت «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ...»، آن را در نقد برخی روایات دال بر جواز نگاه استفاده کرده اند؛ برای نمونه، حدیثی در کتاب الکافی آمده است که:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ يَرِيدُ فَاطِمَةَ وَأَنَا مَعَهُ، فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى الْبَابِ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ فَدَفَعَهُ، ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَدْخُلُ؟ قَالَتْ: أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَدْخُلُ أَنَا وَمَنْ مَعِيَ؟ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ عَلَيَّ قِتَاعٌ. فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ، خُذِي فَضْلَ مِلْحَافَتِكَ، فَتَقَبَّعِي بِهِ رَأْسَكَ، فَفَعَلْتُ، ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَدْخُلُ؟ قَالَتْ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: أَنَا وَمَنْ مَعِيَ؟ قَالَتْ: وَمَنْ مَعَكَ. قَالَ جَابِرٌ: فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ وَدَخَلْتُ، وَإِذَا وَجْهُ فَاطِمَةَ أَصْفَرُ كَأَنَّهُ بَطْنُ جَرَادَةٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَا لِي أَرَى وَجْهَكَ أَصْفَرَ؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ الْجُوعُ...^۴

برخی فقها درباره روایت اخیر، علاوه بر ضعف سند و اشکالات و اضطراب متن، به تعارض آن با برخی روایات، مانند روایت «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ» استناد کرده اند.^۵

۱. برای نمونه رک: الشهاب فی مسألة الحجاب، ص ۳۷۴-۳۷۵ و ۴۴۷ و ۴۵۰.

۲. برای نمونه رک: مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۲۴، ص ۲۶.

۳. مدارک العروة، ج ۱۲، ص ۴۸۴.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۵۲۸. مضمون روایت چنین است: جابر می گوید: در خدمت رسول خدا ﷺ به در خانه فاطمه ﷺ آمدم. رسول خدا ﷺ سلام کرد و اجازه ورود خواست. فاطمه ﷺ اجازه داد. رسول خدا ﷺ فرمود: با کسی که همراه من است، وارد شوم؟ حضرت زهرا ﷺ گفت: پدر جان، چیزی بر سر ندارم. رسول خدا ﷺ فرمود: با قسمت های اضافی روپوش خود، سرت را ببوشان. سپس دوباره استعلام کرد که آیا داخل شویم؟ پاسخ شنیدیم که بفرمایید. وقتی وارد شدیم، چهره حضرت زهرا ﷺ آن چنان زرد بود که مانند شکم ملخ می نمود. رسول خدا ﷺ پرسید: چرا چنین هستی؟ پاسخ داد از گرسنگی است.

۵. مدارک العروة، ج ۱۲، ص ۴۸۵-۴۸۶.

برخی نیز درباره این روایت جابر گفته‌اند که اولاً ممکن است که نظر جابر به حضرت زهرا علیها السلام از روی اتفاق بوده باشد؛ ثانیاً، محتمل است، بنا بر تفسیری که در «غیرأولی الإربة» در آیه ۳۱ سوره نور شده است، جابر هم از «تابعین غیرأولی الإربة» بوده باشد که در آن صورت، به نص آیه خارج می‌شود و بر این اساس، به این خبر (حدیث جابر) نمی‌توان برای جواز نگاه به نامحرم استناد کرد.^۱

در مقابل، برخی فقیهان دلالت روایت «خیر للئساء...» بر حکم مذکور را به جهت مرسل بودن و ضعف، سند ناکافی می‌دانند؛^۲ برای نمونه، آیه الله خوئی پس از نقل و نقد ادله این گروه از فقها، دلالت هر یک از آن ادله را بر این مسأله رد می‌کند و درباره روایت مذکور نیز معتقد است که علاوه بر مشکل ارسال در سند، دلالت بر ضرورت هم ندارد:

وفیه: أنها مرسلة. علی أنه لا دلالة فیها علی اللزوم.^۳

از جمله دیگر ادله این گروه - که آیه الله خوئی آن را نقد می‌کند - روایتی است که بر اساس آن، مرد نابینایی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید. زن‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند و پیامبر صلی الله علیه و آله به آن‌ها دستور داد که پشت پرده بروند. آن‌ها عرض کردند: یا رسول الله، این مرد نابینا است و کسی را نمی‌بیند. آن حضرت فرمودند: ولی او شما را می‌بیند:

استأذن ابن أم مكتوم علی النبی صلی الله علیه و آله و عنده عائشة و حفصة، فقال لهما: قوما فاذخلا
البيت! فقالتا: إنه أعمى، فقال: إن لم یرکما فاتکما تریانه.^۴

نظیر این روایت از ام سلمه نیز نقل شده است:

و عن أم سلمة قالت: کنت عند رسول الله صلی الله علیه و آله و عنده ميمونة، فأقبل ابن أم مكتوم، و
ذکک بعد أن أمر بالحجاب، فقال: احتجبا! فقلنا: یا رسول الله، أليس أعمى لا یرکنا؟
قال: أعمیوان! أتتما لستما تبصرانه؟^۵

برخی فقها به این‌گونه روایات درباره حرمت نگاه جز برای ضرورت استناد کرده و گفته‌اند:

۱. رسائل حجابیه، ج ۱، ص ۴۳۵-۴۳۶: «ضیائیه در موضوع حجاب» (تألیف در صفر ۱۳۴۶ ق / مرداد ۱۳۰۷ ش) آقا موسی کاظمینی طبرسی (ضیائی).

۲. درس تمهیدیه فی الفقه الإستدلالی علی المذهب الجعفری، ج ۲، ص ۳۰۷-۳۰۹: مبانی منهاج الصالحین، ج ۹، ص ۵۷۸.

۳. موسوعة الإمام الخوئی، ج ۳۲، ص ۳۹.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۵۳۴.

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳۲.

و کذا يحرم على المرأة أن تنظر إلى الأجنبي أو تسمع صوته إلا لضرورة وان كان أعمى.^۱

آیه الله خویی در نقد این روایت می گوید:

وفیه: أنها ضعيفة مرسلة، باعتبار أن البرقي يرويها عن النبي ﷺ من دون ذكر الواسطة، و من المعلوم أن الفصل الزمني بينهما كثير جداً فلا يمكن الاعتماد عليها. على أنها قابلة للمناقشة من حيث إنها تكفلت ببيان فعل النبي ﷺ، وهو لا يدل على اللزوم.^۲

به نظر می رسد سبب چنین رویکردی توسط برخی فقها آن باشد که در فقه، فقها درباره احکام شرعی درباره دلالت احادیث سخت گیر هستند و برخلاف آداب و مستحبات، در احکام فقهی دقت نظر دارند؛ چنان که آیه الله مشکینی به جهت ضعف سند این حدیث معتقد است که هیچ حکمی از آن به دست نمی آید.^۳

۲. بررسی سندی حدیث

برای بررسی موضع صدور روایت و واکاوی نقل های موجود از نظر سندی، در دو بخش منابع متقدم و منابع متأخر این حدیث و نقل های مربوط و سلسله راویان آن مورد بررسی قرار می گیرد:

۱-۲. منابع حدیثی متقدم شیعه

در میان منابع متقدم شیعه، روایت یاد شده با تفاوت هایی در نقل، در چهار مصدر به صورت مرسل و بدون سند آمده است که دیگر مصادر متأخر نیز از همین مصادر نقل می کنند.

۱. دعائم الاسلام؛ ابن حیون (م ۳۶۳ق)

ظاهراً نخستین مصدر نقل کننده این حدیث در میان مصادر شیعه، کتاب «دعائم الاسلام» ابن حیون (م ۳۶۳ق) است که حدیث را بدون ذکر سند از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل می کند:

وَعَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ فَلَمْ يَجِبْهُ أَحَدٌ مِنَّا، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِفَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَتْ: مَا مِنْ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ مِنْ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا. فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: صَدَقَتْ إِنَّهَا بَصْعَةٌ مِنِّي.^۴

گفتنی است درباره میزان اعتبار کتاب «دعائم الاسلام»، میان عالمان شیعه اختلاف

۱. النجعة في شرح اللعة، ج ۸، ص ۳۲۱.

۲. موسوعة الإمام الخوئي، ج ۳۲، ص ۳۹.

۳. التعليقة الاستدلالية على العروة الوثقى، ج ۳، ص ۱۶۷؛ نیز رک: دليل تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱.

۴. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۵.

است. نویسنده این کتاب، ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور بن احمد بن حیون (قاضی نعمان) است.^۱ او در ابتدا سنی مذهب بود و سپس تشیع را اختیار کرد؛^۲ ولی در این که او شیعه اسماعیلی بوده و یا اثناعشری اختلاف است. ابن شهر آشوب از جمله کسانی است که او را شیعه دوازده امامی نمی داند.^۳

به اعتقاد آیه الله خویی، امامی بودن او ثابت نشده است و باید او را مجهول الحال (از این حیث که امامی است یا اسماعیلی) دانست.^۴

روایات این کتاب مرسل است و قاضی نعمان برای روایات آن سندی ذکر نمی کند و تنها به ذکر نام رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین اکتفا می کند. برخی عالمان شیعه بر این اساس، روایات این کتاب را تنها در صورتی معتبر می دانند که متن یا محتوای آن در منابع معتبر دیگر آمده باشد. بنابراین، حتی اگر قاضی نعمان را شیعه دوازده امامی بدانیم، روایات این کتاب در صورتی معتبر خواهد بود که متن یا محتوای آن در منابع معتبر دیگر آمده باشد.

۲. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ق)

مصدر دیگر نقل کننده روایت یاد شده با فاصله بیش از دو قرن از مصدر نخست، کتاب المناقب ابن شهر آشوب مازندرانی است که به نقل از حسن بصری چنین نقل می کند:

الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبُدُ مِنْ فَاطِمَةَ، كَأَنْتِ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا، وَ قَالَ النَّبِيُّ لَهَا: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ قَالَتْ: أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ. فَصَمَّهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ: ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ.^۵

۳. مکارم الأخلاق؛ طبرسی (م قرن ۶ق)

حسن بن فضل طبرسی نیز بدون ذکر سندی از امام صادق ع چنین نقل می کند:

وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْحَدِيثِ الَّذِي قَالَتْهُ فَاطِمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَيْرُ النِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّهَا مِنِّي.^۶

۱. وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، ج ۵، ص ۴۱۵.

۲. الأعلام، ج ۸، ص ۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۹.

۴. رک: معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، ج ۲۰، ص ۱۸۵.

۵. مناقب آل ابی طالب ع، ج ۳، ص ۳۴۱.

۶. مکارم الأخلاق، ص ۲۳۳.

۴. کشف الغمة، علی بن عیسیٰ اربلی (م ۶۹۲ق)

در این کتاب این روایت به چند شیوه نقل شده است؛ از جمله:

وَرَوَى عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ! فَعَيَيْنَا بِذَلِكَ كُلَّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا، فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ ﷺ فَأَخْبَرْتُهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِمَّا عَلِمَهُ وَلَا عَرَفَهُ، فَقَالَتْ: وَ لِكَيْتِي أُعْرِفُهُ، خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ. فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ، وَخَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ، قَالَ: مَنْ أَخْبَرَكَ، فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَأَنْتَ عِنْدِي؟ قُلْتُ: فَاطِمَةُ، فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَصُعَّةٌ مِنِّي.^۱



همان گونه که ملاحظه می شود، افزون بر تفاوت در نقل متن مصادر، در برخی از این نقل ها، رسول خدا ﷺ به صورت مستقیم از حضرت زهرا ﷺ سؤال کرده است و در برخی دیگر به واسطه امیرالمؤمنین ﷺ از حضرت زهرا ﷺ سؤال شده است. همچنین به جز کتاب مکارم الأخلاق - که در آن تعبیر «خَيْرُ النَّسَاءِ» آمده است - در سه

۱. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۴۶۶.

کتاب دیگر، نقل با تعبیر «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ» یا «خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ» است که دلالت مفهومی متفاوتی با تعبیر نخست دارد و بدان خواهیم پرداخت.

۲-۲. منابع حدیثی متأخر شیعه

بررسی های صورت گرفته نشان دهنده آن است که این روایت در آثار عالمان حدیث متأخر شیعه بدین گونه وارد شده است:

۱. بحار الانوار؛ علامه مجلسی (م ۱۱۰ ق)

در کتاب بحار الانوار - که یکی از مهم ترین جوامع متأخر حدیثی شیعه به شمار می آید - روایت یادشده چندین مرتبه با نقل های متفاوت و نیز به سند های گوناگون چنین آمده است:

الف) نقل از کتاب «مَوْلِدِ فَاطِمَةَ»^۱ ابن بابویه (م ۳۸۱ ق) از طریق امیرالمؤمنین علیه السلام:

وَمِنْ كِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَةَ لِابْنِ بَابُوِيَه ... وَرُوِيَ عَنِ عَلِيِّ علیه السلام قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ: أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؟ فَعَيَّنَا بِدَلِكُ كُنَّا حَتَّى تَفَرَّقْنَا، فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ علیها السلام، فَأَخْبَرْتُهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَّا عَلِمَهُ، وَلَا عَرَفَهُ، فَقَالَتْ: وَ لِكَيْتِي أَعْرِفُهُ، خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِيَنَّ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ، فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ وَخَيْرٌ لِهِنَّ، أَنْ لَا يَرِيَنَّ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ. قَالَ: مَنْ أَخْبَرَكَ، فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي؟ قُلْتُ: فَاطِمَةُ، فَأَعَجَبَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۲

ب) نقل از «مکارم الاخلاق» حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸ ق) از طریق امام صادق علیه السلام به صورت ذیل:

وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي الْحَدِيثِ الَّذِي قَالَتْ فَاطِمَةُ خَيْرٌ

۱. کتاب «مولد فاطمه» کتابی بوده است درباره زمان و مکان و چگونگی ولادت حضرت زهرا علیها السلام. مولدنگاری یکی از شیوه های شناخته شده در سده های نخستین اسلامی بوده است. بخش هایی از این کتاب در آثار و نوشته های پس از عصر شیخ صدوق، مانند المناقب ابن شهر آشوب و کشف الغممة اربلی نقل شده است که با گردآوری آن ها می توان به آن چه شیخ صدوق نوشته است، نزدیک شد و آن ها را بازسازی کرد.؛ چنان که کتاب «مولد فاطمه» شیخ صدوق بر اساس منابع موجود نقل کننده از آن کتاب، توسط محمد هادی یوسفی غروی در نشریه میراث حدیث شیعه، دفتر نوزدهم، در قالب ۵۵ روایت بازسازی شده است که روایت مورد نظر، روایت هفدهم از آن متن است (رک: مولد فاطمه، ص ۱۷۳ - ۱۹۰).

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۳ - ۵۴.

لِلنِّسَاءِ: أَلَّا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّهَا مِنِّي.^۱

نکته قابل توجه، آن است که در نقل روایت فوق در کتاب بحار الانوار و نیز وسائل الشیعه و دیگر منابع متأخر حدیثی، با تعبیر «خَيْرُ النَّسَاءِ» از مکارم الأخلاق نقل شده است؛ ولی در کتاب مکارم الأخلاق موجود، روایت مذکور به صورت «خَيْرُ النَّسَاءِ» آمده است که به نظر می‌رسد در استنساخ و چاپ دچار تصحیف شده است:

وَعَنْهُ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الْحَدِيثِ الَّذِي قَالَتْهُ فَاطِمَةُ ﷺ خَيْرُ النَّسَاءِ: أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّهَا مِنِّي.^۲

ج) نقل از المناقب آل ابی طالب، نوشته ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق)، از طریق حسن بصری:

الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ: مَا كَانَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ، كَأَنَّكَ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا. وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ لَهَا: أَي شَيْءٍ خَيْرٌ لِمَرْأَةٍ؟ قَالَتْ: أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ، فَضَمَّهَا إِلَيْهِ وَقَالَ: ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ.^۳

د) نقل از کتاب مصباح الأنوار، از طریق امیرالمؤمنین ﷺ:

مِصْبَاحُ الْأَنْوَارِ رُوِيَ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أَخْبِرُونِي أَي شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ ﷺ: أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ، فَأَعْجَبَ النَّبِيُّ ﷺ وَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۴

گفتنی است درباره کتاب مصباح الأنوار و نویسنده احتمالی آن، تردیدها و گفتگوهایی وجود دارد. این کتاب، منسوب به شخصی به نام هاشم بن محمد است که هویت مشخصی ندارد و نسبت این کتاب به شخص مذکور نیز ظاهراً مستند دقیق و روشنی ندارد. از این کتاب در منابع قدیم یادی نشده است. نسخه خطی این کتاب در برخی کتابخانه‌ها موجود است.

د) بدون ذکر مرجعی مشخص، علامه مجلسی از «سعید بن مسیب» نقل روایت می‌کند:

وَعَنْهُ أَيْضًا، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ، عَنْ عَلِيٍّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ - أَنَّهُ قَالَ لِفَاطِمَةَ: مَا

۱. نقل از: مکارم الأخلاق، ص ۲۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۶.

۲. مکارم الأخلاق، ص ۲۳۳.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۸۴.

۴. همان، ج ۱۰۰، ص ۲۳۸-۲۳۹.

خَيْرَ النَّسَاءِ؟ قَالَتْ: [لَا يَرِينِ النَّسَاءُ] وَأَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرُونَهُنَّ، فَذَكَرَ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ ﷺ، فَقَالَ: إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۱

احتمال دارد که این طریق نقل مجلسی از سعید بن مسیب، همان طریق نقل بزار (از طرق نقل اهل سنت) باشد که ذکر خواهیم کرد.

۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ق)

کتاب وسائل الشیعه نوشته شیخ حر عاملی یکی دیگر از جوامع حدیثی متأخر شیعی است که این حدیث را با نقل های گوناگون آورده است:

الف) نقل از کشف الغمّة، به نقل از کتاب «أخبار فاطمة» نوشته شیخ صدوق:

عَلَى بْنِ عِيسَى فِي كَشْفِ الْغُمَّةِ نُقْلًا مِنْ كِتَابِ أَخْبَارِ فَاطِمَةَ ؑ لِابْنِ بَابُوِيَه، عَنْ عَلِيٍّ ؑ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؟ فَعَيْنَا بِذَلِكَ كُلَّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا، فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ ؑ فَأَخْبَرْتُهَا بِالَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَلَيْسَ أَحَدٌ مِنَّا عَلِمَهُ وَلَا عَرَفَهُ، فَقَالَتْ: وَلَكِنِّي أَعْرِفُهُ، خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ، فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَأَلْتَنَا أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ، خَيْرٌ لِهِنَّ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ، فَقَالَ: مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَأَنْتَ عِنْدِي؟ فَقُلْتُ: فَاطِمَةُ، فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَقَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي.^۲

این همان روایتی است که در بحار الانوار به نقل از کتاب «مولد فاطمة» شیخ صدوق نقل شده است.

گفتمنی است که افزون بر کتاب «مولد فاطمة»، کتاب «أخبار فاطمة» یا «أخبار الزهراء» نیز نام اثر مستقل دیگری از ابن بابویه است که شواهدی از وجود آن در آثار و نوشته های پس از عصر شیخ صدوق می توان یافت.

ب) نقل از مکارم الاخلاق طبرسی:

الْحَسَنُ الطَّبْرَسِيُّ فِي مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: أَنَّ فَاطِمَةَ قَالَتْ لَهُ فِي حَدِيثٍ: خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ، فَقَالَ ﷺ: فَاطِمَةُ مِنِّي.^۳

۱. همان، ج ۳۷، ص ۶۹

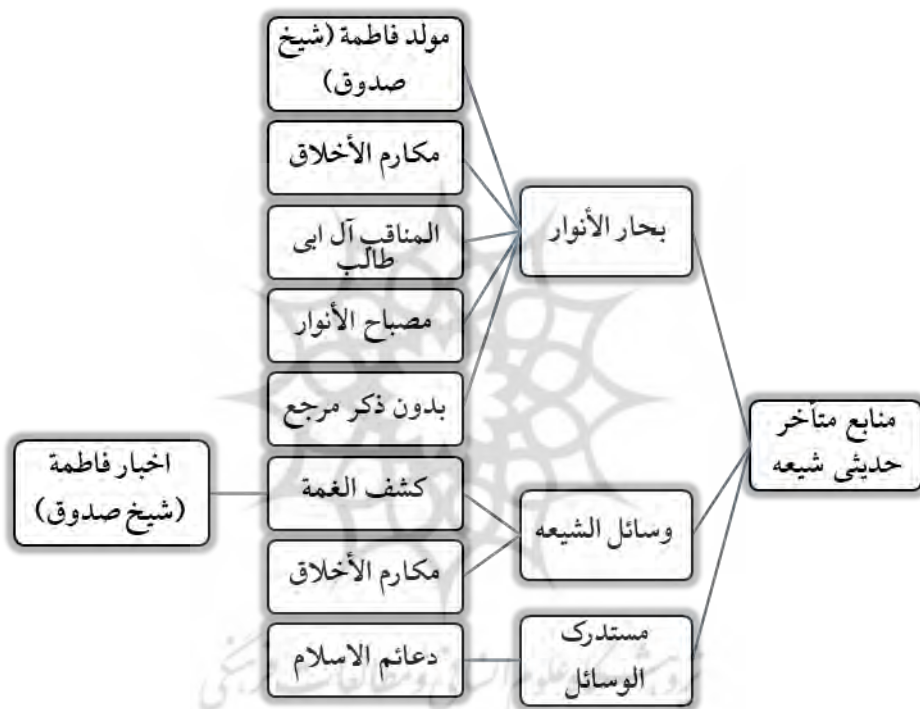
۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷.

۳. همان، ج ۲۰، ص ۲۳۲.

۳. مستدرک الوسائل؛ میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ق)

این حدیث را به نقل از علی علیه السلام از دعائم الاسلام نقل کرده است:

وَعَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ فَلَمْ يَجِبْهُ أَحَدٌ مِنَّا، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَقَالَتْ: مَا مِنْ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ مِنْ أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: صَدَقَتْ إِنَّهَا بَضْعَةٌ مِنِّي.^۱



۳-۲. منابع متقدم حدیثی اهل سنت

در منابع متقدم اهل سنت، ظاهراً قدیمی ترین مصدر نقل کننده این حدیث، دو کتاب العیال ابن ابی الدنیا و نیز مسند بزار هستند:

۱. العیال، ابن ابی الدنیا (م ۲۸۱ق)

حدثنی أبی، حدثنا محمد بن یزید الواسطی، حدثنا العوّام بن خوَّشب، قال: بلغنی أنّ

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۲-۱۸۳.

علیاً قال سألتني رسول الله ﷺ عن شيء، قال: «أى شيء خير للنساء؟»، فلم أدر ما أقول، فذكرت ذلك لفاطمة. فقالت: ألا قلت له: خير للنساء أن لا يرين الرجال ولا يروهن. قال: فذكرت قول فاطمة للنبي ﷺ فقال: «إنها بضعة مني»^١.

٢. مسند بزار (م ٢٩٢ق)

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: نَا مَالِكُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: نَا قَيْسٌ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ، عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ كَانَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ فَسَكَتُوا، فَلَمَّا رَجَعْتُ قُلْتُ لِفَاطِمَةَ: أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ؟ قَالَتْ: أَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ، فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بِضْعَةٌ مِنِّي» رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا.

بزار پس از نقل روایت، تصریح می‌کند که جزاز طریقی که ذکر کرده، طریقی دیگری برای این روایت وجود ندارد:

و هذا الحديث لا نعلم له إسناده عن علي رضي الله عنه إلا هذا الإسناد^٢.

٣. الأفراد، دار قطنی (م ٣٨٥ق)

حدثنا محمد بن منصور بن أبي الجهم الشيعي، ثنا أبي منصور بن النضر بن اسماعيل قال: ثنا أبو بلال، ثنا قيس بن الربيع، عن عبد الله بن عمران المدائني، عن عمر بن عبد البصري، عن الحسن البصري قال: قال علي بن أبي طالب: قال لنا رسول الله ﷺ ذات يوم: «أى شيء خير للمرأة؟» قال: فلم يكن عندنا لذلك جواب، فلما رجعت إلى فاطمة رضي الله عنها قلت: يا بنت محمد، إن رسول الله ﷺ سألنا عن مسألة، فلم ندر كيف نجيبه، فقالت: و عن أي شيء سألكم؟ قال: «أى شيء خير للمرأة»، فقالت: فلم تدرؤا ما الجواب؟ فقلت لها: لا، فقالت: ليس خير للمرأة من أن لا ترى رجلاً، ولا يراها، فلما كان العشي جلسنا إلى رسول الله ﷺ، فقلت له: يا رسول الله، إنك سألتنا عن مسألة، فلم نجيبك فيها، قال: فقلت له: ليس للمرأة شيء خير من أن لا ترى رجلاً، ولا يراها، فقال: «و من قال ذلك؟» فقلت: فاطمة رضي الله عنها، فقال: «صدقت، إنها بضعة مني».

از دیدگاه وی، أبو بلال اشعری در نقل این حدیث متفرد است و براین اساس، حدیث

١. العیال، ج ١، ص ٥٩٣؛ ش ٤١٢.

٢. البحر الزخار المعروف بمسند بزار، ج ٢، ص ١٥٩-١٦٠.

غريب است.^۱

۴. حلية الأولياء، أبو نعيم أحمد بن عبدالله اصفهاني (م ۴۳۰ق)

ابونعيم اصفهاني در كتاب حلية الأولياء، در بخش فاطمه بنت رسول الله ﷺ چنين نقل مي كند:

حدثنا عبدالله بن محمد بن عثمان الواسطي، ثنا يعقوب بن ابراهيم بن عباد بن العوام، ثنا عمرو بن عون، ثنا هشيم، ثنا يونس، عن الحسن، عن انس. قال: قال رسول الله ﷺ: «ما خير للنساء»؟ فلم ندر ما نقول، فسار على إلى فاطمة فاخبرها بذلك. فقالت: فهلا قلت له خير لهن أن لا يرين الرجال ولا يرونهن فرجع فاخبره بذلك. فقال له: «من علمك هذا»؟ قال: فاطمة. قال: «إنها بضعة مني». رواه سعيد بن المسيب، عن علي نحوه. حدثنا ابراهيم بن أحمد بن أبي حصين، ثنا جدي أبو حصين، ثنا يحيى الحماني، ثنا قيس، عن عبد الله بن عمران، عن علي ابن زيد، عن سعيد بن المسيب، عن علي أنه قال لفاطمة: ما خير للنساء؟ قالت: لا يرين الرجال ولا يرونهن. فذكر ذلك للنبي ﷺ فقال: «إنما فاطمة بضعة مني».^۲

۵. احياء علوم الدين، ابو حامد غزالي (م ۵۰۵ق)

قال رسول الله ﷺ لابنته فاطمة ؑ: أي شيء خير للمرأة؟ قالت: ألا ترى رجلا ولا يراها رجل. فضمها إليه وقال: «ذرية بعضها من بعض» فاستحسن قولها.^۳

اختلاف نقل غزالي با ديگر اقوال، آن است كه سؤال رسول خدا ﷺ در اين نقل مستقيماً از حضرت زهرا ؑ است؛ برخلاف نقل های ديگر كه سؤال رسول خدا ﷺ متوجه صحابه است و در آن ها علي ؑ سؤال را از رسول خدا ﷺ دريافت کرده و پس از طرح نزد حضرت زهرا ؑ، پاسخ ايشان را نزد رسول خدا ﷺ می آورد.

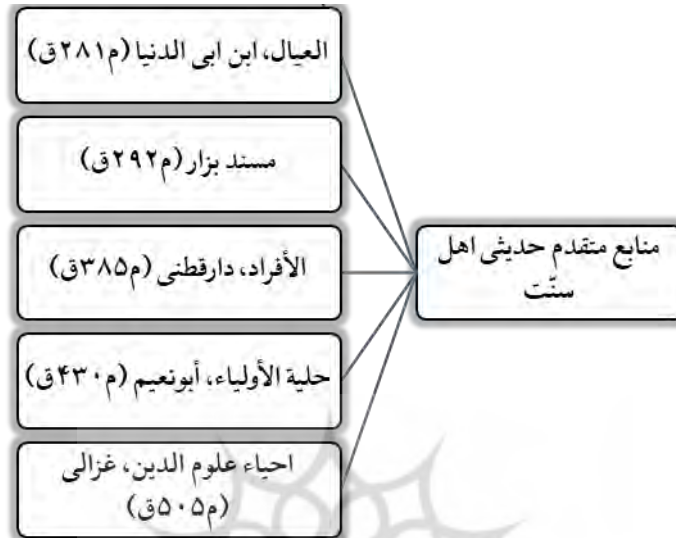
همچنين تفاوت ديگر اين نقل، آن است كه در ديگر نقل ها معمولاً در انتهای حديث، عبارت «آنها بضعة مني» از زبان رسول خدا ﷺ درباره حضرت زهرا ؑ آمده است؛ و نيز در اين نقل، تنها مضمون عبارت «ألا ترى رجلا ولا يراها رجل» با ديگر نقل ها مشترك است،

۱. أطراف الغرائب والأفراد، ج ۲، ص ۵۵۴. ابن قيسراني در اين اثر، كتاب الافراد دارقطني را بر اساس حروف معجم مرتب کرده است.

۲. حلية الأولياء و طبقات الأصفياء، ج ۲، ص ۴۰ - ۴۱.

۳. احياء علوم الدين، ج ۲، جزء ۴، ص ۱۴۲.

ولی دیگر بخش های نقل متفاوت است.



۲-۴. منابع متأخر حدیثی اهل سنت

روایت یاد شده با نقل های گوناگون در منابع روایی متأخر اهل سنت نیز نقل شده است که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱. كشف الأستار عن زوائد البزّار علی الكتب السنّة، هیثمی (م ۸۰۷ ق)

ابوالحسن نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی شافعی در کتاب كشف الأستار عن زوائد البزّار علی الكتب السنّة، «باب أى شیء خیر للنساء» چنین آورده است:

حدثنا محمد بن الحسين الكوفي، ثنا مالك بن اسماعيل، ثنا قيس، عن عبد الله بن عمران، عن علي بن يزيد، عن سعيد بن المسيب، عن علي - رضي الله عنه - أنه كان عند رسول الله ﷺ فقال: أى شیء خیر للمرأة؟ فسكتوا، فلما رجعت. قلت لفاطمة: أى شیء خیر للنساء؟ قالت: لا يراهن الرجال، فذكرت ذلك للنبي ﷺ فقال: إنما فاطمة بضعة مني. قال البزار، لا نعلم له إسناداً عن علي إلا هذا.^۱

۲. كنز العمال، متقی هندی (م ۹۷۵ یا ۹۷۷ ق)

که به دو طریق روایت را نقل می کند:

۱. كشف الأستار عن زوائد البزّار علی الكتب السنّة، ج ۲، ص ۱۵۰-۱۵۱.

عن الحسن البصری قال: قال علی بن أبی طالب علیه السلام: قال لنا رسول الله صلی الله علیه و آله ذات یوم: أی شیء خیر للمرأة؟ فلم یکن عندنا لذلك جواب، فلما رجعت إلی فاطمة علیها السلام قلت: یا بنت محمد، إن رسول الله صلی الله علیه و آله سألنا عن مسألة فلم ندر کیف نجیبه، فقالت: وعن أی شیء سألكم؟ فقلت: قال: أی شیء خیر للمرأة؟ قالت: فما تدریون ما الجواب؟ قلت لها: لا، فقالت: لیس خیر للمرأة من أن لا ترى رجلا ولا یراها، فلما كان العشی جلسنا إلی رسول الله صلی الله علیه و آله فقلت له: یا رسول الله، إنک سألنا عن مسألة فلم نجبک فیها، لیس للمرأة شیء خیر من أن لا ترى رجلا ولا یراها، قال: ومن قال ذلك؟ قلت: فاطمة، قال: صدقت إنها بضعة منی.

عن علی أنه كان عند النبی صلی الله علیه و آله فقال: أی شیء خیر للمرأة؟ فسکتوا، قال: فلما رجعت قلت لفاطمة: أی شیء خیر للنساء؟ قالت: لا یرین الرجال ولا یرونهن، فذکرت ذلك للنبی صلی الله علیه و آله فقال: إنما فاطمة بضعة منی. (البخاری، حل و ضعف).^۱

۳. اسعاف الراغبین، محمد بن علی الصبان شافعی حنفی مصری (م ۱۲۰۶ق)

وروی البخاری عن علی علیه السلام قال: كنت عند رسول الله صلی الله علیه و آله فقال النبی صلی الله علیه و آله: أی شیء خیر للمرأة؟ فسکتوا. فلما رجعت قلت لفاطمة: أی شیء خیر للنساء؟ قالت: لا یراهن الرجال. فذکرت ذلك للنبی صلی الله علیه و آله فقال: إن فاطمة بضعة منی....^۲

۳. بررسی طرق حدیث در منابع روایی اهل سنت

همان گونه که ملاحظه می شود، در منابع روایی اهل سنت، این حدیث به طرق زین نقل شده است که در همه طرق دارای ضعف سند است:

۱. روایت علی علیه السلام از سه طریق

الف) سعید بن مسیب از علی علیه السلام که در کتاب ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیة الأولیاء در بخش فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله آمده است که اشاره گردید.^۳

در این حدیث، همان گونه که گذشت، سؤال کننده، علی علیه السلام است و نه رسول خدا صلی الله علیه و آله. برخی عالمان اهل سنت، سبب این امر را ضعف یکی از روایان طرق این حدیث، یعنی

۱. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۱۶، ص ۲۵۳.

۲. اسعاف الراغبین فی سیرة المصطفی و فضائل اهل بیته الطاهرین، ص ۶۶.

۳. حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ج ۲، ص ۴۱.

«یحیی الحمانی» می‌دانند که در کتاب‌های رجالی اهل سنت متهم به سرقت و تخلیط (نقل روایات معتبر و غیرمعتبر با هم) است. ابن حجر درباره او می‌گوید:

حافظ إلا أنهم اتهموه بسرقة الحديث.^۱

احمد بن حنبل درباره او می‌گفت:

كان يكذب جهاراً.

و نیز می‌گفت:

ما زلنا نعرفه أنه يسرق الأحاديث أو يلتقطها أو ينقلها.

دارمی نیز او را به سرقت حدیث متهم کرده است.^۲

همچنین در سند این نقل، قیس بن ربیع و نیز عبدالله بن عمران و علی بن زید بر اساس کتاب‌های رجالی اهل سنت، متهم به ضعف و جهالت هستند.^۳

ب) طریق حسن بصری از علی رضی الله عنه که در نقل دارقطنی در کتاب الأفراد ملاحظه شد؛ چنان‌که در کتاب کنز العمال نیز اشاره گردید. در سند این نقل نیز مرداس ابوبلال اشعری ضعیف است.^۴

ج) طریق عوام بن حوشب از علی رضی الله عنه که در کتاب العیال ابن ابی الدنیا ذکر شد.^۵ این حدیث نیز معضل و منقطع است.^۶

۲. روایت انس

ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیة الأولیاء، در بخش فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله این روایت را آورده که گذشت.^۷

این حدیث نیز به لحاظ سند، ضعیف بوده و رجال سند آن متهم به وضع و جعل حدیث هستند.^۸

۱. تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۵۹۳، ش ۷۵۹۱.
۲. معجم الصحابة، ج ۲، ص ۷۳۵؛ نیز رک: الأنساب، ج ۴، ص ۲۳۸.
۳. در این باره رک: سلسلة الأحاديث الضعيفة وأثرها السیء فی الأمة، ج ۱۲، ص ۵۳۹؛ نیز: إمطة الجهل بحال حدیثی «ما خیر للنساء؟» و «عقدة الحبل»، ص ۱۱-۱۵.
۴. در این باره رک: إمطة الجهل بحال حدیثی «ما خیر للنساء؟» و «عقدة الحبل».
۵. العیال، ج ۱، ص ۵۹۳؛ ش ۴۱۲.
۶. رک: إمطة الجهل بحال حدیثی «ما خیر للنساء؟» و «عقدة الحبل»، ص ۲۴-۲۵.
۷. حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ج ۲، ص ۴۰.
۸. رک: سلسلة الأحاديث الضعيفة وأثرها السیء فی الأمة، ج ۱۲، ص ۵۳۸-۵۴۱؛ نیز: إمطة الجهل بحال حدیثی «ما خیر للنساء؟» و «عقدة الحبل»، ص ۲۱-۲۳.

نتیجه بررسی سندی این حدیث، آن است که حدیث یادشده با نقل‌های گوناگون آن، در مصادر شیعه مرسل است و در مصادر اهل سنت نیز رجال سند ضعیف هستند.

۴. معاضدت و تقویت روایت به وسیله برخی روایات دیگر

متن این روایت، به وسیله برخی روایات دیگر تقویت می‌شود و بر همین اساس، نگاه به متن و به دست آوردن دلالت صحیح آن ضروری به نظر می‌رسد؛ برای نمونه، در روایتی آمده است که مردی نایبنا بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شد. حضرت از وی حجاب گرفت (حجاب در این جا ظاهراً به این معناست که حضرت در پشت پرده و یا دیواری قرار گرفت). رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت زهرا علیها السلام سؤال کرد: برای چه حجاب می‌گیری او که تو را نمی‌بیند؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود: اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و او بوی مرا استشمام می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پی این سخن حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی:

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رضی الله عنه أَنَّهُ قَالَ: اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ رضی الله عنها فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: لِمَ تَحْجُبِينَهُ وَهُوَ لَا يَرَاكَ؟ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ: إِنَّ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي، فَأِنِّي أَرَاهُ، وَهُوَ يَشْمُ الرِّيحَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَشْهَدُ أَنَّكَ بَصْعَةٌ مِنِّي.^۱

این روایت در کتاب بحار الانوار به نقل از النوادر راوندی، از علی رضی الله عنه نیز نقل شده است.^۲ نظیر این روایت درباره عایشه و حفصه و أم سلمه نیز به این گونه نقل شده است که عبد الله بن أم مکتوم نایبنا بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شد، در حالی که عایشه و حفصه و در نقلی دیگر أم سلمه نزد آن حضرت بودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن‌ها فرمود: برخیزید و به داخل خانه بروید (و در نقل أم سلمه، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حجاب برگیرید). آن‌ها گفتند: یا رسول الله، او نایبنا است و ما را نمی‌بیند. حضرت فرمود: درست است که او نایبنا است، ولی شما او را می‌بینید.^۳

۵. بررسی متن و دلالت روایت

در بررسی متن و دلالت روایت، صرف نظر از بحث سند و به ویژه با توجه به معاضدت و

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱.

۳. رک: الکافی، ج ۵، ص ۵۳۴؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۳۲؛ و در میان منابع اهل سنت، رک: مسند أحمد بن حنبل، ج ۴۴، ص ۱۵۹؛ سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۷۶۲؛ الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، ج ۴، ص ۵۱۷؛ السنن الکبری (نسائی)، ج ۵، ص ۳۹۳ و ۳۹۴.

تقویت این حدیث توسط احادیث دیگر، باید به این نکات توجه داشت:

اولاً، از این روایت، حرمت حضور زنان در اجتماع به دست نمی‌آید؛ زیرا این مسأله با سیره حضرت زهرا علیها السلام مخالف است و تاریخ و سیره نیز حضور اجتماعی آن حضرت در مواقع ضرورت را به قطع ثابت می‌کند.

ثانیاً، این حدیث در بیان این حکم شرعی نیست که به هیچ وجه زنان و مردان مجاز به دیدن و گفت‌وگو با یکدیگر نیستند. و به عبارتی، این حدیث، بیان‌گر هیچ حکم الزامی دال بر فعل یا ترک نیست، بلکه در مقام بیان یک اصل ارشادی و ارزش اخلاقی و حقیقت دینی و واقعیت اجتماعی (عاری از حکم تکلیفی یا حکم حرمت) است و آن، این‌که: ارتباط مستقیم زن و مرد نامحرم هرچه کمتر باشد، بهتر است؛ یعنی تا جایی که امکان دارد، ارتباط و برخوردهای میان زنان و مردان نامحرم به حداقل ممکن برسد و بدون ضرورت مسأله اختلاط میان زن و مرد پیش نیاید؛ برای نمونه، حضور غیر ضروری زنان در کوچه و بازار و مکان‌هایی که در معرض نگاه نامحرم قرار می‌گیرد و یا مراودات بی‌جهت آنان با مردان نامحرم در شأن و مقام زن مسلمان نیست.

و این مسأله یک ارزش ثابت شده دینی است که حفظ حریم و دوری از اختلاط و روابط فسادزاست و این پیام یعنی: «ارتباط زن و مرد نامحرم هرچه کمتر، بهتر» از احادیث فراوان دیگری به دست می‌آید؛ گرچه باید گفت در شرایط ویژه و به هنگام تزامم احکام و ضرورت‌ها ممکن است این اصل تخصیص بخورد؛ ولی در شرایط عادی و عمومی، اصل همان است و همان گونه که متن حدیث نیز بر دلالت دارد با توجه به تعبیر حدیث که «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ» است و نه «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ»، «بهترین حالت برای زن آن است که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را ببیند» و این یک واقعیت اجتماعی است که برای مثال حضور اجتماعی زن در محیط‌های زنانه برای او بهترین و راحت‌ترین حالت است و بر این اساس، شایسته است که برنامه‌ریزی جامعه اسلامی به گونه‌ای باشد که چنین حضور اجتماعی راحت‌تری برای زنان در اجتماع مهیا باشد که زنان به رغم فعالیت اجتماعی و بهره‌گیری از استعدادها و اثرگذاری بر محیط پیرامونی خود، کمتر در معرض نگاه و برخورد با نامحرم قرار گیرند.

سید جعفر مرتضی در کتاب مأساة الزهراء، با این‌که سند حدیث «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ...» را ضعیف معرفی می‌کند، ولی درباره دلالت متن به همین مسأله عدم اختلاط زن و مرد اشاره می‌کند؛ چنان‌که بیرون رفتن حضرت زهرا علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در غزوات موجب نمی‌شود که

مردان چهره یا جمال آن حضرت را ببینند. درباره پذیرش زنان از سوی رسول خدا ﷺ نیز لازم نبود که آن حضرت، میان خود و زنان مراجعه‌کننده مانع یا پرده‌ای بکشند و به آنان فرمان دهند که از پشت پرده با او سخن گویند؛ فقط همین کافی بود که زنان با حجاب کامل با آن حضرت سخن گویند.

افزون بر این، به گفته سید جعفر مرتضی، رجحان ندیدن زن و مرد یکدیگر را و اجتناب از اختلاط آن‌ها منحصر به حدیث یادشده نیست، بلکه احادیث فراوان دیگر نیز این مسأله را اثبات می‌کند که برخی از آن‌ها همانند آن چه را که اشاره کردیم، می‌آورد.^۱

بنابراین، به نظر می‌رسد خیریت مطرح‌شده در این روایت، غالبی است؛ یعنی در غالب اوقات و در بیشتر فعالیت‌ها و محیط‌های اجتماعی، اداری، آموزشی، خدماتی، سیاسی و غیره بهتر آن است و بلکه شایسته است که زن به گونه‌ای عمل کند که با مردی مواجه نشود و مردی نیز با او مواجه نگردد و از اختلاط و استیناس با مردان و موارد غیر ضروری فسادآور و فتنه‌خیز اجتناب شود؛ ولی در عین حال، موارد و مصادیقی وجود دارد که ترک آن‌ها نه تنها خیریتی ندارد، بلکه ترک آن‌ها مذموم و از دایره شمول روایت نیز خارج است؛ مانند دفاع از حق و امر به معروف و نهی از منکر، مانند آن چه در سیره حضرت زهراء علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام در تاریخ مشاهده می‌شود و نیز همیاری و همکاری در انجام عمل صالح و انسان‌ساز در چهارچوب رفتارهای عقیفانه که در چنین مواردی، حضور عقیفانه و محترمانه زن، نه تنها بدون اشکال، بلکه لازم و ضروری است.

نمونه‌های دیگر در تاریخ نیز نشان‌دهنده همین نوع حضور لازم و ضروری زن در اجتماع است؛ برای نمونه، دختران حضرت شعیب رضی الله عنه بنا بر تصریح قرآن^۲ با عفت و پاکدامنی مورد تصریح خداوند، چوپانی می‌کردند و در اجتماع با مردان مواجه می‌شدند، ولی حریم نگه می‌داشتند و از اختلاط و گفتگوهای غیر ضروری و فسادخیز اجتناب داشتند. همچنین دستور به پوشش و عفاف در قرآن کریم^۳ ناظر بر چگونگی حضور اجتماعی زن در اجتماع است.

نتیجه

با توجه به واکاوی‌های صورت گرفته درباره روایات یادشده، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. رک: مأساة الزهراء علیها السلام، ج ۱، ص ۲۵۷-۲۶۲.

۲. سوره قصص، آیه ۲۵.

۳. مانند سوره نور، آیه ۳۰ و ۳۱ و سوره احزاب، آیه ۵۹.

۱. حدیث «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ» با نقل‌های گوناگون آن، در مصادر روایی شیعه مرسل است و در مصادر اهل سنت نیز رجال سند ضعیف هستند.
۲. با آن‌که در باب نکاح برخی کتاب‌های فقهی و در اثبات برخی احکام، مانند حرمت نظر زن به مرد بیگانه، به این حدیث استناد شده است، ولی برخی فقها به جهت ضعف سند این حدیث معتقدند که هیچ حکمی از آن به دست نمی‌آید.
۳. علاوه بر ضعف سند، بر مضمون روایت نیز نقدهایی وارد است؛ برای نمونه، یکی از اشکالاتی که در نگاه نخست به این حدیث، خود را می‌نمایاند، این است که چگونه امیرالمؤمنین علیه السلام، جواب را نمی‌دانست و چرا حضرت از همان ابتدا پاسخ را به حضرت زهرا علیها السلام مستند نکرد تا مورد سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله واقع نشود که جواب را از چه کسی گرفته‌ای؟!
 ۴. صرف نظر از بحث سند و به ویژه با توجه به معاضدت و تقویت این حدیث توسط احادیث دیگر، اولاً از این روایت، حرمت حضور زنان در اجتماع به دست نمی‌آید؛ زیرا این مسأله با سیره حضرت زهرا علیها السلام مخالف است و تاریخ و سیره نیز حضور اجتماعی آن حضرت در مواقع ضرورت را به قطع ثابت می‌کند. ثانیاً، این حدیث، بیان‌گر هیچ حکم الزامی دالّ بر فعل یا ترک نیست، بلکه در مقام بیان یک اصل ارشادی و ارزش اخلاقی مبنی بر عدم اختلاط میان زن و مرد در اجتماع است. بنابراین، این‌گونه احادیث، بیان‌گر ضرورت حفظ عفت و حرمت و رهنمون به سوی عفت و حیا و پوشش و پرهیز دادن از اختلاط‌های بی‌جا و غیر ضروری و فساد انگیز زن و مرد در اجتماع است و روشن است که دور بودن از نامحرم به معنای گوشه نشینی نیست.
 ۵. ادله‌ای که در این روایت و یا دیگر روایات تقویت‌کننده آن توسط حضرت زهرا علیها السلام و در روایت دیگر توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به حفصه و عایشه یا ام سلمه ارائه می‌گردد، این است که حتی در برابر مرد نابینای نامحرم، اگر او زن را نمی‌بیند، ولی بوی زن را استشمام می‌کند و در مقابل، زن او را می‌بیند و لذا دستور به مستوری داده شده است. نکته‌ای که به نظر می‌رسد از این قبیل روایات به دست آید، اهمیت حفظ حیای زن توسط خود اوست؛ چنان‌که حتی در برابر مرد نابینا، با توجه به مسأله یادشده، تلاش در حفظ حیا داشته باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- احياء علوم الدين، ابو حامد غزالي، شرح: عبدالقادر بن شيخ عيدروس، بی جا: دارالکتاب العربی، بی تا.
- إسعاف الراغبين في سيرة المصطفى و فضائل اهل بيته الطاهرين، محمد بن علي الصبان، بی جا: بی نا، بی تا، نسخه خطی.
- أطراف الغرائب و الأفراد للدار قطني، محمد بن طاهر ابن قيسراني، نسخه و صححه: جابر بن عبدالله السريع، بی جا: بی نا، ۱۴۲۸ق.
- الأعلام، خيرالدين زركلي، بيروت: دارالعلم للملايين، چاپ هشتم، ۱۹۸۹م.
- إمطة الجهل بحال حديثي «ما خير للنساء؟» و «عقدة النحل»، أم عبد الرحمن بنت النوبى، قدم له و راجعه و حرّره و عقب عليه: أبو عبد الرحمن محمد عمرو بن عبد اللطيف. - الجيزة، مصر: مكتبة التوعية الإسلامية، ۱۴۱۳ق، ۳۶ ص (من أبواب النكاح؛ ۱).
- الأنساب، عبدالكريم بن محمد سمعاني، تصحيح: عبد الرحمن بن يحيى معلمى، هند - حيدرآباد: مطبعة مجلس، دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۸۲ق.
- اهل بيت كليلد مشكلها، محمد تيجانى سماوى، ترجمه: محمد جواد مُهرى، قم: بنياد معارف اسلامى، ۱۳۸۶ش.
- بحار الانوار، محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، بيروت: دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- البحر الزخار المعروف بمسند البزار، ابى بكر احمد بن عمرو بن عبد الخالق العتقى البزار، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله، المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم، ۲۰۰۹م / ۱۴۳۰ق.
- التعليقة الإستدلالية على العروة الوثقى، على مشكينى، تحقيق: محمد حسين درايتى، قم: مؤسسة دارالحديث العلمية والقافية، ۱۴۳۴ق.
- تقريب التهذيب، ابن حجر عسقلانى، تحقيق: محمد عوامة، سوريه: دار الرشيد، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م.

- الجامع الصحيح و هو سنن الترمذی، محمد بن عیسیٰ ترمذی، تحقیق و شرح: احمد محمد شاکر، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۹ق.
- حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، أحمد بن عبد الله أبو نعیم اصفهانی، بیروت: دارالفکر، قاهره: مكتبة الخانجي، ۱۴۱۶ق.
- دروس تمهيدية في الفقه الإستدلالي على المذهب الجعفري، باقرايواني، قم: مؤسسة الفقه، للطباعة والنشر، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
- دعائم الاسلام، ابن حيون، تحقیق و تصحيح: آصف فيضي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق.
- «دفاع از حدیث (۶)»، مهدي حسینیان قمی، فصلنامه علوم حدیث، ش ۹، ۱۳۷۷ش، ص ۱۷۲-۱۷۹.
- رسائل حجابیه، شصت سال تلاش علمی در برابر بدعت کشف حجاب (مجموعه ۳۳ رساله و کتاب که از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۴۸ش درباره حجاب نوشته شده و توسط رسول جعفریان به زبان فارسی گرد آمده است)، رسول جعفریان، قم: دلیل ما، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- سلسلة الأحادیث الضعيفة و أثرها السیء في الأمة، محمد ناصر الدین ألبانی، ریاض: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، ۱۴۲۵ق.
- سنن أبي داود، سليمان بن اشعث ابوداود سجستاني، شرح و تحقیق: سيد محمد و ديگران، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۲۰ق.
- السنن الكبرى، احمد بن علی نسائی، تحقیق عبدالغفار سليمان بندگان و ديگران، گردآورنده: احمد شمس الدين، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۱ق.
- الشهاب فی مسألة الحجاب، مصطفى شریعت موسوی اصفهانی، تحقیق: محمد حسن شریعت موسوی، قم: دارالتفسیر، ۱۳۸۵ش.
- العیال، ابن أبی الدنيا البغدادي، تحقیق و تعلیق: نجم الدين عبدالرحمن خلف، المملكة العربية السعودية: دار ابن القيم، ۱۴۱۰ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقیق و تصحيح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

- «كتاب مولد فاطمة»، بازسازی و گردآوری: محمد هادی یوسفی غروی، میراث حدیث شیعه، دفتر نوزدهم، به کوشش مهدی مهریزی و علی صدرايي خويي، مركز تحقيقات دارالحدیث، ۱۳۸۷ش، ص ۱۷۳ - ۱۹۰.
- كشف الأستار عن زوائد البزار على الكتب الستة، حافظ نورالدين علي بن ابي بكر هيثمي، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، مؤسسة الرسالة، ۱۳۹۹ق.
- كشف الغمة في معرفة الأئمة، علي بن عيسى اربلي، تحقيق وتصحيح: سيد هاشم رسولي محلاتي، تبريز: بني هاشمي، ۱۳۸۱ق.
- كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، علاء الدين علي متقي بن حسام الدين الهندي، تحقيق: محمود عمر الدمياطي، بيروت: دارالكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون، ۱۴۱۹ق.
- مأساة الزهراء عليها السلام، جعفر مرتضى عاملي، بيروت: دار السيرة، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- مباني منهاج الصالحين، سيد تقى طباطبائي قمی، باشراف: عباس حاجياني، قم: قلم الشرق، ۱۴۲۶ق.
- مدارك العروة، علي پناه اشتها ردي، تهران: منظمة الاوقاف والشؤون الخيرية. دار الأسوة للطباعة والنشر، ۱۴۱۷ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمد تقی نوري، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- مسند الإمام أحمد بن حنبل، احمد ابن حنبل، تحقيق: عامر غضبان و ديگران، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ق.
- معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، ابوالقاسم خويي، بي جا: بي نا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
- معجم الصحابة، عبد الباقي بن قانع بغدادی، تحقيق: خليل ابراهيم قوتلاي، بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۴ق.
- مكارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسي، قم: الشريف الرضي، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق.
- مناقب آل أبي طالب عليهم السلام، ابن شهر آشوب مازندراني، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
- موسوعة الإمام الخوئي، ابوالقاسم خوئي، قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، ۱۴۱۸ق.
- مذهب الأحكام في بيان الحلال و الحرام، عبد الاعلى موسوي سبزواري، قم: مؤلف، ۱۴۱۳ق.

النجعة في شرح اللمعة، محمد تقى شوشتری، تهران: کتابخانه صدوق، ۱۳۶۴ش.
النوادر، فضل الله بن على راوندى كاشانى، تحقيق و تصحيح: احمد صادقى اردستانى، قم:
دارالكتاب، بى تا.
وسائل الشيعة، محمد بن حسن شيخ حر عاملى، تحقيق و تصحيح: مؤسسة آل البيت عليه السلام،
قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹ق.
وفيات الأعيان و أنباء أبناء الزمان، ابن خلكان، تحقيق: إحسان عباس، بيروت: دار صادر،
۱۹۹۰-۱۹۹۴م.

